



فهرست مطالب

۲.....	مقدمه
۲.....	اقسام غش در دراهم مغشوشه
۲.....	اقسام غش در نقود قدیمی
۳.....	اقسام غش در نقود عصر جدید
۳.....	اقسام دراهم مغشوشه داخل در محل بحث
۳.....	بحث کبروی در مورد دراهم مغشوشه
۴.....	حکم تکلیفی غش در معاملات: حرمت
۴.....	بررسی حکم وضعی غش در معاملات
۴.....	اقسام غش در معاملات
۴.....	قسم اول تعلق مورد غش معامله به ذمه
۴.....	حکم قسم اول: صحت معامله و عدم برائت ذمه
۵.....	قسم دوم تعلق مورد غش معامله به عین خارجی
۵.....	اقسام قسم دوم
۵.....	قسم اول: عدم وجود ارزش برای عین تقلبی
۵.....	بطلان این قسم
۵.....	قسم دوم: وجود ارزش پایین تر برای عین مغشوش
۵.....	انواع قسم دوم
۶.....	نوع اول: تفاوت ذاتی عین مغشوش و غیر مغشوش
۶.....	بطلان معامله در این نوع
۶.....	نوع دوم: تفاوت در اعراض بین عین مغشوش و غیر مغشوش
۶.....	اثبات خیار غبن یا عیب
۶.....	علم متقلب و جهل مغبون شرط حکم به حرمت



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

آخرین بحثی که در ذیل قسم اول از نوع دوم از مکاسب محرمه یعنی ما لا یقصد من وجوده علی نحوه الخاصّ إلّا الحرام مطرح شده است، بحث دراهم مغشوشه می باشد.

اقسام غش در دراهم مغشوشه

دراهم مغشوشه یا از نقود قدیمه می باشند که ماده آن نقود از طلا و نقره بودند و دارای ارزش بودند و علاوه بر ارزش ماده آن ها با ضرب سکه و اعتبار دولتها و حکومت ها، نقد رایج می شدند و علاوه بر ارزش ذاتی خود، ارزش اعتباری هم پیدا می کردند و یا از نقود جدید می باشند که فقط ارزش اعتباری دارند و ماده آن ها یا ارزش ندارد و یا به خاطر ارزش پائین آن، قابل اعتنا نمی باشد.

اقسام غش در نقود قدیمی

حداقل چهار نوع غش در نقود قدیمی متصور می باشد.

۱. یک نوع غش در نقود قدیمی که ماده آن ها هم ارزش داشت و از طلا و یا نقره بود این است که دو نوع سکه رایج وجود داشته باشد و ارزش یکی از دیگری بالاتر باشد و شخص سکه ای را که ارزش پایین تر دارد به جای سکه ای که ارزش بالاتری دارد به کار ببرد.

۲. نوع دوم غش در نقود قدیمه این است که طلا و نقره ناخالصی را به طور که به این مقدار ناخالصی در بازار رایج نیست، ضرب کرده و تبدیل به سکه می کند که در واقع هم تصرف در ماده کرده است و هم تصرف در هیئت که هیئت آن هم توسط دولت صورت نگرفته است. البته در این قسم ماده به طور کامل بی ارزش نیست بلکه ارزش کمتری نسبت به نقود غیر مغشوشه دارد.

۳. نوع سوم غش در نقود قدیمه این است که ماده سکه مانند دیگر نقود رایج و غیر مغشوش طلا و نقره است و خلوص آن ها هم باهم تفاوتی ندارند ولی ضرب آن توسط حکومت صورت نگرفته است بلکه به طور غیر قانونی ضرب شده است و دارای ارزش اعتباری نمی باشد.



۴. نوع چهارم غش در نقود قدیمه این است که علاوه بر عدم ارزش اعتباری، ماده آن هم بی ارزش می باشد و مثلاً فلز دیگری را به گونه رنگ کرده که شبیه طلا و نقره شده است.

اقسام غش در نقود عصر جدید

در نقود عصر جدید به خلاف نقود اعصار قدیمه، ماده آن ها ارزش ندارد و ارزش آن ها به هیئت و اعتباری است که از سوی حکومت ها به آن بخشیده می شود و عنوان پول رایج مبنای معاملات قرار می گیرند. در این نوع نقود حداقل دو نوع غش متصور می باشد.

۱. نوع اول غش در این نقود، غش به هیئت می باشد به اینکه به طور تقلبی اسکناس چاپ کند و یا سکه ضرب کند. این نوع غش بسیار متداول می باشد.

۲. نوع دیگر غش در نقود عصر جدید این است که اسکناس و یا سکه هایی را که دارای ارزش پایین تری است به جای سکه و اسکناس هایی که دارای ارزش بالاتری می باشد، در معامله ای به دیگری بدهد.

اقسام دراهم مغشوشه داخل در محل بحث

بحث در قسم اول از نوع دوم مکاسب محرمه ما لا یقصد من وجوده علی نحوه الخاصّ إلّا الحرام می باشد یعنی ابزار و ادواتی که ساخت آن ها برای استفاده حرام می باشد لذا تنها اقسامی از دراهم مغشوشه که برای تقلب و غش وضع و ساخته شده باشند و دارای ارزش نمی باشند، داخل در محل بحث می باشند و قاعده کلی حرمت و بطلان در مورد آن ها جاری می شود و اتلاف آن ها واجب می باشد البته نقود و دراهم تقلبی هم به عنوان اولی به خاطر اینکه ابزار و ادواتی است که ممحض للمعصیه می باشند، حرام است و هم به حکم حکومتی و ولایی، ساخت نقود تقلبی و تکسب به آن ها حرام و خلاف قانون می باشد. اما صوری که غش در آن ها به واسطه پرداخت ادنی به جای اعلا می باشد چون هم منافع حلال دارند و هم منافع حرام ولی در مقام معامله در جهت منافع حرام به کار رفته است در محل بحث یعنی قسم اول از نوع دوم داخل نمی باشند و در دیگر اقسام داخل می باشد.

بحث کبروی در مورد دراهم مغشوشه

آنچه در مورد دراهم مغشوشه مطرح شد، بحثی صغروی و برفرض اثبات حرمت استفاده از دراهم مغشوشه بود اما به لحاظ کبروی ادله حرمت استفاده از دراهم مغشوشه همان ادله حرمت و بطلان غش در معاملات می باشد.



حکم تکلیفی غش در معاملات: حرمت

غش در معاملات به لحاظ تکلیفی حرام است و دلیل آن هم روایاتی است که در آن‌ها وعده عذاب بر غش داده شده است که در آینده در کتاب البیع به طور مفصل بررسی خواهد. البته در برخی روایات به طور مطلق از غش نهی شده است و در برخی روایات از غش در معاملات و دادوستدها نهی شده است که این بحث نیز وجود دارد که موضوع حرمت غش مطلق غش می‌باشد و یا اینکه موضوع حرمت غش در معاملات می‌باشد.

بررسی حکم وضعی غش در معاملات

در معاملات به طور کلی گاهی هم ثمن و مثن به عین خارجی تعلق می‌گیرند و گاهی هر دو به ذمه تعلق می‌گیرند و گاهی یکی به عین خارجی تعلق می‌گیرد و دیگری به ذمه تعلق می‌گیرد که در مجموع چهار صورت متصور می‌باشد که این صور تأثیر زیادی در حکم فقهی معاملات دارد اما آنچه رایج و متداول است این است که غالباً ثمن به ذمه تعلق می‌گیرد و مورد مثن هم هر دو قسم یعنی تعلق به ذمه و یا عین خارجی متداول می‌باشد.

اقسام غش در معاملات

در مواردی که غش در معامله صورت می‌گیرد آنچه غش در آن صورت گرفته است یا به ذمه تعلق گرفته است و آنچه مغشوش است به عنوان ادا دین پرداخت می‌شود و یا اینکه به عین خارجی تعلق گرفته است.

قسم اول تعلق مورد غش معامله به ذمه

قسم اول از اقسام غش در معامله این است که مورد غش معامله کلی باشد و به ذمه تعلق گرفته باشد و در مقام ادا دین غش کرده است و پول تقلبی و یا پولی که ارزش آن کمتر است، پرداخت کرده است.

حکم قسم اول: صحت معامله و عدم براءت ذمه

در قسم اول چون معامله به کلی تعلق گرفته است و لذا غشی در اصل معامله رخ نداده است و معامله صحیح است ولی شخصی که غش در معامله کرده است چون در مقام ادا دین غش کرده است مدیون می‌باشد و بریء الذمه نیست و باید آنچه بر ذمه اوست ادا کند ولی معامله تام و صحیح می‌باشد اما اگر در ادا دین تأخیر داشته باشد، برای مغبون خیار



تأخیر ثابت می‌باشد و معامله لازم به معامله جایز تبدیل می‌شود. در حکم این قسم میان اقسام غش در دراهم مغشوشه که در بالا بیان شد تفاوتی وجود ندارد و در هر صورت معامله صحیح است.

قسم دوم تعلق مورد غش معامله به عین خارجی

قسم دوم از اقسام غش در معامله این است که معامله به خود عین مغشوش و تقلبی تعلق گرفته باشد و به خلاف قسم قبل عین مغشوش و تقلبی رکن صیغه و یا معاطات باشد.

اقسام قسم دوم

قسم دوم نیز دارای دو قسم می‌باشد.

قسم اول: عدم وجود ارزش برای عین تقلبی

قسم اول از قسم دوم این است که معامله به عین مغشوش و تقلبی تعلق گرفته باشد و آن عین تقلبی هیچ‌گونه ارزشی نداشته باشد مانند نقود قدیمی و یا جدید تقلبی که هیچ‌گونه ارزشی ندارند حتی ماده آن‌ها.

بطلان این قسم

این قسم علاوه بر اینکه به لحاظ تکلیفی حرام است به لحاظ وضعی هم باطل است و مصداق اکل به باطل می‌باشد چون ثمن هیچ‌گونه مالیتی ندارد لذا آنچه در مقابل آن دریافت می‌شود اکل مال بالباطل می‌باشد.

قسم دوم: وجود ارزش پایین‌تر برای عین مغشوش

قسم دوم این است که معامله به عین مغشوشی تعلق گرفته است که به خلاف قسم قبل دارای ارزش می‌باشد هرچند این ارزش در مقابل عین غیر تقلبی و مغشوش دارای ارزش کمتری می‌باشد.

انواع قسم دوم

این قسم نیز به دو نوع تقسیم می‌شود



نوع اول: تفاوت ذاتی عین مغشوش و غیر مغشوش

نوع اول از این قسم این است که عین مغشوش با عینی که معامله بر آن واقع شده است عرفاً در ذات باهم تفاوت داشته باشند مثلاً معامله را بر یورو واقع کرده باشند اما به جای یورو، دلار پرداخت شده باشد.

بطلان معامله در این نوع

حکم این نوع معامله از قسم دوم این است که معامله باطل است چون معامله بر چیزی که قصد شده واقع نشده است و حتی اگر در ارزش هم باهم برابر باشند، معامله باطل می‌باشد. چون معامله بر چیزی که قصد آن را کرده‌اند، واقع نشده است.

نوع دوم: تفاوت در اعراض بین عین مغشوش و غیر مغشوش

نوع دوم از قسم دوم این است که تفاوت عین مغشوش و غیر مغشوش در ذات نیست بلکه در اعراض می‌باشد مانند تفاوت در کهنه و یا جدید بودن درهم.

اثبات خیار غبن یا عیب

در این صورت معامله باطل نیست بلکه خیار عیب یا غبن ثابت می‌باشد و حق فسخ معامله وجود دارد.

علم متقلب و جهل مغبون شرط حکم به حرمت

نکته آخری که در ذیل این بحث باید به آن اشاره شود، این است که گاهی هر دو طرف معامله علم به غش در معامله دارند و گاهی هر دو به غش در معامله جاهل می‌باشند و گاهی مغبون علم به غش در معامله دارد ولی شخصی که ثمن یا مثن مغشوش را می‌دهد جاهل به غش می‌باشد و گاهی نیز برعکس می‌باشد یعنی متقلب علم به غش دارد و مغبون جاهل به غش در معامله می‌باشد. آنچه در مورد حکم تکلیفی غش در معامله یعنی حرمت بیان شد، مربوط به صورتی است که متقلب علم به غش داشته باشد ولی مغبون جاهل به آن باشد که در این صورت غش به لحاظ تکلیفی حرام می‌باشد اما در غیر این صورت غش به لحاظ تکلیفی حرام نیست اما به لحاظ وضعی احکامی که ذکر شد در همه این موارد ثابت می‌باشد مگر حکم به ثبوت خیار غبن که در صورتی طرفین علم به غش داشته باشند و یا مغبون علم به غش داشته باشد، خیار غبن ثابت نیست.

شماره ثبت: ۱۱۷۶